

نگاهی به کتاب "در جدال با خاموشی" اثر جدید رفیق اشرف دهقانی!  
علیرغم زیاد بودن صفحات، هیچگاه در خواندن این کتاب احساس خستگی نکردم. در طول خواندن، این فکر به سراغم می آید که حداقل گوشه‌ای از دریافت‌هایم را با دیگران در میان بگذارم. مطلب زیر پاسخی است به آن ندا:

مطالعه کتاب "در جدال با خاموشی" نه تنها بار دیگر ما را با دنیای زندان و زندانی، با دنیای شکنجه، قبر و قیامت و تابوت آشنا کرده و قساوت و بربریت، توحش و لومپنیسم دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را در مقابلمان آشکار می‌سازد، همچنین ما را بر آن می‌دارد تا به تفکر و تعمق در مورد موضوعی بپردازیم که قبل از این، آنرا برای خود امری کاملاً شناخته شده و بدیهی می‌دانستیم. با مطالعه این کتاب درمی‌یابیم که در رابطه با زندان و شکنجه چه دنیایی از فکر و تعمق وجود داشته و چه ایده‌های نادرستی را تاکنون به عنوان "تحلیل زندان و شکنجه" به ما ارائه می‌دادند. در یک کلام کتاب "در جدال با خاموشی" ما را به دنیای یک کار خارق‌العاده می‌برد.

آنچه که برای من در مطالعه این کتاب قبل از هر چیز برجسته شد و میتوانم آنرا در چند جمله بگویم تلاش نویسنده در نشان دادن تفاوت بین دو نسل و مقایسه دو نسل انقلابی با هم و اهمیت فعالیتها و کوششهای انقلابی این نسل‌ها می‌باشد. (نسل قبل از انقلاب و نسل بعد از انقلاب) و همچنین تفاوت دو رژیم ستمگری که با قساوت کامل این دو نسل را به صلابه کشیده بودند، یعنی رژیم مزدور شاه و رژیم ددمنش جمهوری اسلامی. اما این خلاصه‌گویی نه برای من کافی است و نه حق مطلب را ادا می‌کند. چرا که نویسنده از آنجا که در بطن مبارزات این دو نسل شرکت فعال داشته، خود با مهارتی خاص که ناشی از علم و آگاهی انقلابی او به تمام شرایط سیاسی-اجتماعی است که هر دو نسل درگیر آن بوده‌اند، و مهمتر از همه با توجه به برخورد منصفانه و بیطرفانه او به مسایل که خواه نا خواه از آرمان و اخلاق کمونیستی او نشئت گرفته، همه زوایای این موضوع را با نثری روان در اختیار خواننده قرار داده است. برخورد منصفانه و یا بهتر است بگویم فرا رفتن از همه تنگ نظری‌های گروهی رایج یکی از نکات برجسته این کتاب است که به خصوص آنجا خود را با برجستگی هر چه بیشتر نشان می‌دهد که نویسنده کتاب، زندانی مقاوم را از هر مرام و مسلک و گروهی که هست، یک زندانی مقاوم شمرده و مقاومتش را تحسین بر انگیز می‌خواند، همانطور که از توابعین بدون در نظر گرفتن وابستگی تشکیلاتی قبلی آنها (حتی اگر به تشکیلاتی وابسته بودند که مورد قبول او قرار دارد) به عنوان عناصر خائن و پست نام می‌برد. همچنین در این کتاب به عناصر توده‌ای و اکثریتی اشاره شده است که چه زندانی بودند و یا نبودند در کارسرکوب نیروهای مردمی همدست ارتجاع وقت شدند. در کتاب "در جدال با خاموشی" خواننده در صفحه صفحه کتاب می‌بیند که ایستادگی و مقاومت و تا آخر به اربابان زر و زور و سرمایه (نه) گفتن ارزشی است که در باورهای نویسنده و الا ترین گوهر مبارزاتی است، همانطور که زیر پا گذاشتن آرمانهای انقلابی امر مذمومی است که به هیچ وجه نباید نادیده گرفته شود. در این کتاب با صراحت و روشنی نشان داده می‌شود که برخی از زندانیان دهه ۶۰ با زیر پا گذاشتن همه پرنسیپهای انسانی تا پای تواب شدن رفتند و به عناصری پست و خائن تبدیل شدند. آنها کسانی بودند که خود بازجو شدند، خود شکنجه کردند، کسانی که با امثال لاجوردی‌ها به همکاری برخاستند. عده‌ای از آنها که عناصر و کادرهای سازمانهای سیاسی را تشکیل می‌دادند به یاران سابق خود و حتی خانواده‌شان نیز رحم نکردند و عملاً به جزئی از ماشین سرکوب جمهوری اسلامی بدل گردیدند. خواننده با مطالعه کتاب "در جدال با خاموشی" در طول

آن به کرات با شواهد با عملکردهای این جماعت در زندان‌ها برخورد کرده و چهره واقعی آن‌ها را خواهد شناخت.

اما گذشته از نقاط قوت فوق، شاخه اصلی کار خارق‌العاده‌ای که در این کتاب صورت گرفته است، بخش اول یعنی "تفاوت‌ها و شباهت‌های زندانها در دو دهه ۵۰ و ۶۰" می‌باشد که برای من از اهمیت بسیاری برخوردار است. نویسنده برای آماده کردن خواننده برای درک شکنجه در زندانهای دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی، موضوع را با مطلبی تحت عنوان "چرا پدیده‌ای به نام شکنجه؟" آغاز میکند. خود این پیش پرداخت کلیدی به دست خواننده می‌دهد تا با دیدگاه نویسنده و اخلاق کمونیستی او و شناخت درستش نسبت به جامعه‌ی ایرانی در هر دو دهه و ماهیت و خصوصیات رژیمهای حاکم هر چه بیشتر آشنا شود.

نویسنده با ارائه تعریفی علمی از پدیده شکنجه، جمع‌بندی خود را از آن این گونه مطرح می‌کند: "شکنجه، ابزاری در دست حکومت‌های مدافع طبقات استثمارگر می‌باشد که آن را در مورد کسانی که بر علیه ظلم و ستم حاکم بر جامعه به پا خاسته‌اند - چه در مورد روشنفکران انقلابی و چه در مورد توده‌های آگاه و مبارز - به کار می‌برند. (هر چند در چنین جوامعی بزه کاران اجتماعی نیز مورد شکنجه قرار می‌گیرند). بنابراین، شکنجه به وضوح مخصوص جامعه‌ای است که پایه‌هایش بر ستم و استثمار بنا شده است." (صفحه ۵۰) (تأکیدها همه از نویسنده کتاب است) با این تعریف، نویسنده کتاب خط فاصل و مرزبندی خود را با خیلی از کسانی که در ظاهر ادعای کمونیست بودن می‌کنند، ادعای سوسیالیست بودن می‌کنند، و عوام‌فریبانه شعارهای زیبای انقلابی را تکرار میکنند، اما به اشکال مختلف دلایل کار برد شکنجه را توجیه می‌کنند، مشخص می‌کند.

به نظر من، علاوه بر این نویسنده با بیان این مطلب که "در حقیقت، شکنجه همواره با سیستم‌های مبتنی بر استثمار و بهره‌کشی در جامعه همزاد و همراه بوده است." (همان صفحه) (تأکید از خود نویسنده کتاب است). همچنین آگاهی طبقاتی خود را نشان داده و مرز خود را با سیستم‌هایی که زیر نام سوسیالیسم جامعه را با زور و شکنجه می‌خواستند اداره کنند نیز نشان میدهد.

در همین بخش "تفاوت‌ها و شباهت‌های زندانها در دو دهه ۵۰ و ۶۰" با آوردن شواهد کافی از شکنجه در زندانهای هر دو رژیم، هدف از شکنجه و اهداف شکنجه‌گران را با نمایاندن شواهد زنده و عینی به خواننده ارائه میدهد. او در مورد دهه ۵۰ مینویسد "با تأمل روی چنان واقعیاتی خواهیم دید که رژیم شاه در دهه ۵۰، که مبارزه هنوز در سطح روشنفکران انقلابی و توده‌های پیشرو جریان داشت (و هنوز کاملاً توده‌ای نشده بود)، برای حفظ نظم استثمارگرانه موجود در جامعه، به شکل و حد و کیفیتی از شکنجه زندانیان سیاسی نیاز داشت که بدون شک از آنچه در دوره جمهوری اسلامی و مشخصاً در سال‌های ۶۰ در پیش گرفته شد، متفاوت بود." (صفحه ۵۶) این گونه نگاه به مسائل وسعت دیدگاه نویسنده را نسبت به کاربرد ابزارهای سرکوب در شرایط مختلف توسط سیستمهای سرمایه‌داری را میرساند.

نویسنده پیشگویی نمیکند، حدس و گمان هم نمیزند، او واقعیتهای موجود و قابل دسترس را مورد کنکاش قرار می‌دهد، و در همین مقایسه به سطح مبارزه، حد درگیری توده‌ها در مبارزه، میزان خشم انقلابی زحمتکشان جامعه و شناخت آنها از دشمن اصلی اشاره میکند و به اندازه کافی شواهد

ارائه می دهد تا خواننده خود علت این یا آن رویداد در جامعه مورد بحث را دریابد. در "در جدال با خاموشی" مطرح می شود: "با رجوع به سال‌های ۶۰، شرایط مبارزاتی خاصی را در جامعه ایران حکمفرما می‌بینیم. در این سالها رژیم حاکم (جمهوری اسلامی)، برای انجام وظایف ضدانقلابی خود با شرایط به مراتب دشوارتری از رژیم شاه در سال‌های ۵۰ مواجه بود. در این دوره یک جنبش توده‌ای، آنهم جنبش توده‌های تازه انقلاب کرده، توده‌هایی سرشار از روحیه مبارزه جویانه و دارای اعتماد به نفس، در جامعه جاری بود و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که به نام توده‌ها، قدرت سیاسی را به دست گرفته بود، حال می‌بایست این جنبش را سرکوب نموده و شرایط را مجدداً برای غارت ثروت‌های ایران توسط امپریالیست‌ها و استثمار وحشیانه کارگران و زحمتکشان ما توسط سرمایه‌داران زالو صفت، فراهم نماید. به سخن دیگر "نظم و امنیت" دلخواه سرمایه‌داران که توسط توده‌های انقلابی به هم خورده بود را مجدداً در جامعه برقرار سازد. بالطبع در هم شکستن روحیه قوی مبارزاتی توده‌های سال ۶۰ - توده‌های شجاع و جسوری که پس از سرنگونی رژیم شاه و کسب این پیروزی، با قاطعیت خواهان تحقق خواست‌های انقلابی خویش بوده و تسلیم و تمکین را نمی‌پذیرفتند- وحشی‌گری‌ها و خشونت‌هایی را می‌طلبید که می‌بایست به مراتب از دوره شاه بربرمنشانه تر باشد." (صفحه ۶۲ - تمام تأکیدها از خود کتاب است)

این موضوع از جانب نویسنده پیگیری شده و در بحث "شیوه‌ها و وسایل شکنجه بدور از هاله ایدئولوژیکی - مذهبی" (صفحه ۹۳) وی کوشش کرده است که مسئله شکنجه را به عنوان معیاری که حدت مبارزه طبقاتی و پتانسیل انقلابی توده‌ها و وسعت توده‌ای بودن شرایط مبارزه و... را در جامعه نشان میدهد، توضیح دهد. در این بخش روی این عامل اصلی، که وسعت و گسترش سطح انقلابیگری توده‌ها است که تعیین میکند که شکنجه نیز در چه سطحی در زندانها جاری باشد، تأکید شده و نشان داده شده است که این عوامل و نه درجه دوری و یا نزدیکی به دین و مذهب و حد وابستگی حکومت‌ها به مذهب تعیین کننده شکنجه و حد آن می‌باشد.

زمانیکه نویسنده شکنجه در رژیم سرمایه‌داری شاه را توضیح داده و به شرایط زندانهای جمهوری اسلامی می‌پردازد بر خلاف بسیاری از توجیه‌گران، درجه شکنجه و حتی توابع شدن برخی از زندانیان را با دیدی ایده‌آلستی به مذهبی بودن جمهوری اسلامی و ایدئولوژی اسلامی رژیم گره نمیزند، بلکه آنرا ناشی از حدت مبارزه طبقاتی جاری در کشور دانسته و به تلاش مرگ و زندگی جمهوری اسلامی جهت حفظ نظام ظالمانه موجود و حراست از وابستگی حکومت سرمایه‌داری ایران به امپریالیزم جهانی و خطرانی که انقلاب توده‌ها این سیستم را با آن مواجه ساخته، ارزیابی کرده و به این وسیله خط بطلانی به آن دیدگاه‌هایی می‌کشد که جز این می‌اندیشند و جز این جلوه می‌دهند.

شفافیت دادن به این بحث از نظر نویسنده حائز اهمیت است و به همین دلیل مینویسد: "به جهت آن که بتوانیم رویدادهای واقعی در زندان‌های دهه ۶۰ را بدور از تحلیل‌های غیر واقعی و ایده‌آلیستی که اغلب با تکیه به مذهب روندهای عینی را توضیح می‌دهند بررسی نموده و آن رویدادها را با واقع بینی مورد برخورد قرار دهیم، و به جهت آن که مذهبی بودن رژیم کنونی حاکم بر ایران باعث نشود که ما به جای بررسی واقعیت‌ها با دید ماتریالیستی و کوشش در کشف دلایل مادی و واقعی عملکردهای خونبار جمهوری اسلامی بر علیه مردم، به خطا، هاله‌ای مذهبی به دور واقعیت‌ها بکشیم و بالاخره به خاطر آن که نقطه عزیمت خود را در تحلیل مسایل از واقعیت آغاز

کنیم و نه از مسایل ذهنی، برای همه این منظورها لازم است توجه خود را هر چه بیشتر روی مسایل زمینی در رابطه با مسایل زندان‌ها متمرکز نماییم. بر این مبنا توجه به شیوه‌ها و وسایل شکنجه در زندان‌های دو رژیم مورد بحث و مقایسه آن‌ها می‌تواند مفید واقع شود." (صفحه ۹۳)

اما نویسنده خواننده را در میان زمین و هوا نگاه نمی‌دارد و در ادامه به یک نتیجه‌گیری منطقی در این زمینه میرسد. "بر اساس آنچه در فوق آمد و مدارک و شواهد بسیار، می‌توان گفت که آنچه در زندان‌های جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ گذشت ادامه اقدامات جنایتکارانه‌ای بود که در دهه ۵۰ در زندان‌های رژیم شاه جریان داشت. به همان گونه که کلیت رژیم جمهوری اسلامی نیز خلف بر حق رژیم شاه بوده و می‌باشد." (صفحه ۱۰۳)

بدین گونه مطالعه این کتاب ما را با دنیائی از تفکر و تعمق و با یک کار خارق‌العاده آشنا ساخته و نشان می‌دهد که کتاب "در جدال با خاموشی" تنها یک وقایع نگاری و بازگویی شرایط زندانهای هر دو رژیم نیست. این کتاب واقعیات زندان‌ها را مورد تحلیل علمی قرار می‌دهد. تحلیلی که شرایط زندانها را در رابطه با سطح مبارزه طبقاتی جاری در کشور دیده و بر این باور است که بدون شناخت علمی ماهیت طبقاتی هر دو رژیم شاه و خمینی و میزان و وابستگی آنها به امپریالیزم جهانی و در نظر گرفتن پایگاه اجتماعی آنها نمی‌توان به درک آنچه در زندانها گذشت نزدیک شد. بالاخره این کتاب در اساس یک تحلیل همه جانبه علمی از شرایط زندانهای جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ بدست می‌دهد.

در کتاب در جدال با خاموشی، خواننده همچنین گوشه‌هایی از مقاومت شکوهمند نیروهای انقلابی و کمونیست و همه آزادیخواهان در شرایط جنایت بار زندانهای جمهوری اسلامی را با مثال‌های زنده و عینی می‌بیند. با توجه به حجم بالای کتاب باید و می‌توان خیلی بیشتر در مورد این اثر نوشت. اما فکر می‌کنم که همین حد هم کافی باشد تا کسانی را که خواهان مطالعه یک اثر تحقیقی و پی بردن به چگونگی تحلیل شرایط زندانهای جمهوری اسلامی هستند، با این کتاب آشنا کند. من خواندن این اثر تحلیلی - تحقیقی را به همه شما خوانندگان این مطلب پیشنهاد می‌کنم.

خالد امین

سپتامبر ۲۰۰۷